پاسخ شهرداری به گفت‌وگوی «شرق» با پیروز حناچی

مدیرمسئول محترم روزنامه شرق

در پاسخ به مطلب مندرج در آن روزنامه خبری با موضوع در رابطه «با مدیریت شهر تهران چه چیزی بیشتر شما را نگران می‌کند؟» جوابیه زیر به تفکیک موضوع در ۸ بند ارسال می‌گردد؛ لذا مقتضی است طبق ماده ۲۳ قانون مطبوعات، جهت تنویر افکار عمومی در اولین شماره آن روزنامه درج گردد.

•••

رکاب‌زنی در مسیر انحرافی

چند نکته درباره تلاش‌های رسانه‌ای شهردار سابق برای تخریب دیگران و پر نشان‌دادن کارنامه خالی خود حنایی که دیگر برای مردم پایتخت رنگی ندارد؛ شاید این کوتاه‌ترین عبارت برای رساندن مفهوم بی‌فایده‌بودن تلاش‌های پیروز حناچی شهردار سابق تهران جهت توجیه عملکرد خودش از طریق زیرسؤال‌بردن و تخریب فعالیت دیگران است.

این روزها که با افتتاح‌های پشت سر هم ایستگاه‌های مترو، نوسازی و بهسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی، نهایی‌کردن خرید ۷۹۱ واگن مترو، رکوردشکنی در آسفالت‌ریزی و برنامه‌ریزی برای راه‌اندازی تراموا در پایتخت، شهرداری تهران توانسته است روی خوش خدمت‌رسانی جهادی را به مردم نشان دهد، پیروز حناچی شهردار سابق تهران که به‌همراه محسن هاشمی رئیس شورای شهر قبل یکی از دو نماد بارز «ما نمی‌توانیم» در مدیریت شهری سابق بوده‌اند، با حضور در رسانه‌ها به دنبال توجیه عملکرد خود و دوره مدیریت شهری پنجم است.

رویه شهرداری تهران در دوره فعلی تاکنون عدم رجوع به گذشته و بازگویی عملکرد تیم پیشین مدیریت شهری بوده است اما تعدد اظهارنظرات غیردقیق و سیاسی گاهی اوقات وادار می‌کند تا مشتی از نمونه خروار ضعف‌های دوره پنجم بازگو شود.

در تازه‌ترین گفت‌وگوی پیروز حناچی با نیروهای سابق خودش در روابط عمومی شهرداری وقت که اکنون در روزنامه «شرق» برای وی مصاحبه‌های شبه‌رپورتاژی تنظیم می‌کنند، شهردار سابق اتهامات جدیدی را به تیم جدید مدیریت شهری نسبت داده است.

فرار به جلو برای بازنشدن کارنامه عملکردش

یکی از فرافکنی‌های شهردار سابق در گفت‌وگوی دوشنبه ۱۰ مهرماه ۱۴۰۲ با روزنامه شرق، تشکیک در آمار اتوبوس‌ها است، درحالی‌که اگر مردم این روزها به جای چند دقیقه چندده دقیقه معطل اتوبوس می‌مانند، مقصر اصلی دولت و شهرداری قبل به دلیل عقب‌ماندگی در تأمین اتوبوس و مینی‌بوس است. دولت آقای روحانی به گفته مسئولان شهرداری وقت حتی یک اتوبوس به تهران اختصاص نداد. همچنین از تعداد ۳۴۸۰ اتوبوسی که در دوره پیشین مدیریت شهری تحویل گرفتند، تنها ۱۸۷۶ دستگاه اتوبوس به مدیریت شهری فعلی تحویل دادند. طبق اسناد منتشرشده توسط خودشان در کل دوره چهارساله تنها ۲۶۳ اتوبوس جدید خریداری شد.

شهرداری تهران در این دوساله هزار اتوبوس نوسازی و بهسازی کرده و قرار است تا سال بعد ۳۰۰۰ اتوبوس دیگر به ناوگان اضافه کند، هرچند به دلیل عقب‌ماندگی‌های به‌جامانده از قبل شهر تهران نیازمند حداقل ۷۵۰۰ دستگاه است.

دوچرخه خوب است تراموا بد!

یکی دیگر از فرافکنی‌های حناچی مربوط به مطلب «تراموا بهتر است یا دوچرخه؟» روزنامه همشهری بود، شهردار سابق تهران در حالی این موضوع را هم دستمایه انتقاد به نگاه حاکم بر مدیریت جدید شهر تهران قرار داده است و از دوچرخه‌سواری در شهر دفاع همه‌جانبه می‌کند که اساسا بحث زیر سؤال بردن استفاده از دوچرخه در شهر نیست بلکه موضوع این است که کدام‌یک از این دو مدل حمل‌ونقل می‌تواند به حل معضل ترافیک تهران بیشتر کمک کند؛ موضوعی که نایب‌رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای اسلامی شهر تهران هم به آن اشاره کرده است. آقامیری دراین‌باره عنوان کرده است از مدیران سابق سؤال دارم؛ از ۲۶۰ کیلومتر مسیر دوچرخه‌ای که ساختید ۲۶۰ نفر دوچرخه‌سوار استفاده می‌کنند؟ محمدخانی، سخنگوی شهردار تهران نیز بارها تأکید کرده است که «تراموا» یک شیوه حمل‌ونقل در کنار اتوبوس، مترو، تاکسی و حتی دوچرخه است و قرار نیست یک شیوه حمل‌ونقلی فدای شیوه‌های دیگر شود. این مدل‌های حمل‌ونقل در کنار یکدیگر می‌تواند به بهبود وضعیت ترافیک تهران کمک کند.

پرنمایی کارنامه خالی

پیروز حناچی می‌گوید «بروند و ببینند تاریخ عقد قرارداد ۶۳۹ واگن مترو چه زمانی بوده است. اینکه چه زمانی یک قرارداد امضا شده کار پیچیده‌ای نیست. به نظر می‌رسد شهردار سابق قصد دارد تا با این اظهارات زحمات شهرداری و دولت کنونی را کم‌رنگ نشان دهد. درست است در سال ۹۵ برای تأمین واگن برای شهر تهران قراردادی امضا و در سال ۹۷ نهایی شد اما از آن روز به بعد چه کاری برای این قرارداد از سوی شهردار سابق انجام شد؟ آقای حناچی تحریم و عدم توانایی شهرداری در پرداخت و کمک‌نکردن روحانی را دلیل خاک‌خوردن قرارداد می‌داند و خودش به این ناتوانی اعتراف می‌کند اما عجیب است که حالا قصد بهره‌برداری و پرکردن سیاهه کارنامه خود با موفقیت‌های به‌دست‌آمده در این دوره را دارد. واقعیت این است که علیرضا زاکانی در اولین فرصت، احیای این قرارداد انجام‌نشده را در دستور کار قرار داد و با تلاش‌های ۲۴ساعته و جلسات متعدد با وزارت خارجه وزارت کشور، سازمان برنامه‌وبودجه بانک مرکزی و بانک شهر این قرارداد پوسیده را جان دوباره بخشید و حتی آن را به ۷۹۱ واگن توسعه داد.

وقتی جدول را سروته می‌گیرند

حناچی در بخش دیگری از گفت‌وگوی خودش ادعا کرد: اینکه شما میزان وابستگی مدیریت شهری به درآمدهای ناشی از شهرسازی مستقیم و غیرمستقیم چه قانونی و چه غیرقانونی را افزایش بدهید و از زیر ۵۰ درصد به بالای ۷۵ درصد برسانید، چیزی است که در بودجه خودش را نشان می‌دهد. این بخش از صحبت‌های شهردار سابق تهران را در خوش‌بینانه‌ترین حالت می‌توان به حساب فراموشی اعداد ناشی از کم‌کاری چندساله ایشان در زمان تکیه بر صندلی شهرداری تهران قلمداد کرد؛ چراکه پیروز حناچی، شهرداری را به موضوعی متهم کرده که حتی منتقدانش هم به آن اذعان دارند و او را تحسین می‌کنند. همین چند روز پیش بود که ناصر امانی عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران با تقدیر از شهرداری به دلیل افزایش درآمدها اعلام کرد: نسبت ۳۹ به ۶۱ درصد درآمد پایدار و ناپایدار در بودجه امسال اتفاق جدیدی است که پیش از این شاهد نبودیم؛ چراکه آمار درآمد پایدار تاکنون از ۳۰ درصد بیشتر نشده بود.

زمان ما روزهای تعطیل تخلف می‌شد

در موضوع تخلفات ساختمانی نیز شهردار سابق عنوان کرده است در زمان ما هم تخلفات در حوزه ساخت‌وساز بوده. این به آن معنی نیست که تخلف نبوده باشد اما تخلفات گسترده نبود. در آن زمان مثلا دو یا سه روز که تعطیل می‌شد و عوامل کنترلی کنترل کمتری را در شهر داشتند، مثلا یک طبقه یا نیم‌طبقه ساخته می‌شد. تخلفات در آن دوره از این جنس بود اما اینکه یک دفعه بالای ۱۶۰ هزار متر در کمتر از یک سال ساخته شود، به این معناست که مانیتورینگ در شهر تهران خاموش شده است».

حناچی در بخشی از این صحبت‌ها تخلفات در ساخت‌وساز در دوران خودش را تأیید و ساختن یک طبقه در سه روز تعطیلی در زمان تصدی‌گری خودش را عادی قلمداد می‌کند اما هرگز به این موضوع اشاره نمی‌کند که همین تخلفات کشف‌شده توسط تیم جدید شهرداری؛ در نیمه دوم سال گذشته رخ داده که بسیاری از نیروهای نظارتی به‌واسطه شورش و اغتشاشات سال ۱۴۰۱ درگیر مسائل متعددی بودند.

با این تفاسیر انتظار گزافی است که حناچی به اقدامات حوزه معماری و شهرسازی شهرداری تهران نظیر شفافیت در کمیسیون ماده ۵ سامانه نظارت بر عملکرد مهندسین ناظر هوشمندسازی و اصلاح فرایند صدور پروانه که باعث کاهش بسیاری از تخلفات شده، اشاره کند.

استفاده سیاسی از حادثه خلازیر

حناچی در بخش دیگری از گفت‌وگویش به تخریب ساختمان‌های ناایمن خلازیر اشاره کرد و گفت: «خیلی بد است که برای یک کار بدیهی و کارشناسی که خیلی راحت می‌توان از قبل پیش‌بینی کرد که چه رخ می‌دهد، کشته بدهیم». حادثه خلازیر، متأسفانه اتفاق دردناکی بود که چند نفر از عوامل شهرداری و مأموران انتظامی جانشان را از دست دادند؛ اما سوءاستفاده از جان این افراد و بهانه‌کردن این عزیزان برای حملات سیاسی کار به‌شدت ناصوابی است. همان‌طورکه بارها گفته شده است شهرداری تهران در این دوره بارها اقدام به تخریب اصولی ساختمان‌های ناایمن کرده بود و هیچ اتفاقی هم نیفتاده بود اما تخریب ساختمان مذکور در خلازیر بر عهده شهرداری نبود و یک پیمانکار وظیفه را بر عهده داشت. البته برخی از هم‌طیفان آقای حناچی بدون اطلاع، شهردار منطقه ۱۹ و علیرضا زاکانی را به‌واسطه چنین انتخابی که منجر به حادثه شده بود مقصر دانسته بودند، بدون آنکه ذکر کنند که شهردار منطقه ۱۹ (خلازیر) تورج فرهادی، اگر مورد انتقاد شماست در زمان پیروز حناچی هم شهردار منطقه ۶ است و اتفاقا این نشان‌دهنده برخورد غیرسیاسی علیرضا زاکانی است که به نیروهای توانمند دوره پیش از خودش هم اعتماد کرده است. نگاهی غیرسیاسی و غیرجناحی که متأسفانه در جناح رقیب و افرادی چون پیروز حناچی نه‌تنها وجود ندارد بلکه برعکس آن هم دیده می‌شود.

ادعاهای سنگین و فرار از بازخوانی گذشته

پیروز حناچی در بخشی از صحبت‌هایش ادعایی را علیه تیم تحت مدیریت زاکانی مطرح کرده و در ادامه صحبت‌هایش درخصوص تخلفات ساختمانی به‌نوعی سیتماتیک‌بودن فساد را به میان کشیده و گفته: «این پذیرفته نیست که چنین حجمی از ساختمان بدون اطلاع شهرداری ساخته شده باشد». پاسخ ما این است که ادعاکننده اگر صداقت دارد باید به‌جای مصاحبه‌های یک‌نفره و سفارشی با دوستان خودش پس از یک ماه به درخواست مناظره از سمت لطف‌الله فروزنده، معاون شهردار تهران پاسخ دهد و از تریبون‌های یک‌طرفه و اطلاعات روی هوا فاصله بگیرد و پاسخ‌گوی عملکردش باشد. اگر شهردار سابق از وقوع تخلف سازمان‌یافته در شهرداری تهران مطلع است، پس چرا تاکنون موضوع را با نهادهای نظارتی در میان نگذاشته و اگر این موضوعاتی که مطرح کرده قابل اثبات نیست، باید در محاکم قضائی پاسخ‌گوی این ادعاها باشد؛ هرچند که سابقه نشان می‌دهد که این اولین بار نیست و او پیش از این ادعاهای غلطی را نیز علیه شهرداری قالیباف مطرح کرده بود که پس از اعلام طرح شکایت از سوی قالیباف؛ بلافاصله ادعای خود را پس گرفت. به نظر می‌رسد فاصله‌گرفتن از فضاهای تک‌نفره خود گویی و خود تأیید کنی و بازشدن باب گفت‌وگو و بررسی سوابق شهر تهران در دوره مدیریت گذشته امری ضروری و مفید برای افکار عمومی جامعه است که باید از سوی رسانه‌های مستقل و مردمی و نه رسانه‌های حزبی و جناحی دنبال شود.

ادامه از صفحه اول

جامعه روزمره

تمام این سال‌ها کارشناسان معتبر و برجسته علوم اقتصادی و اجتماعی و حقوقی پیشنهادهای فراوانی داده‌اند که چگونه می‌شود اقتصاد را اصلاح کرد و جامعه را به سمت سلامت برد و... ؛ اما هر برنامه اصلاحی مستلزم ثبات و حاکمیت پایدار قواعد نظم است که امکان اجرای درست برنامه را فراهم کند. در وضعیت روزمره بدون فردا که جامعه دچار اختلال نظم است، بهترین برنامه‌ها نیز بی‌نتیجه می‌مانند. مروری بر برنامه‌های عمرانی و قوانین بودجه سالانه شاهدی بر همین ادعاست. آنچه باید قبل از هر چیز و بیشتر و عمیق‌تر به آن اندیشید، چگونگی تثبیت نظم و ایجاد ساختار حقوقی پایدار و تضمین‌شده است. جامعه روزمره، برنامه‌پذیر نیست.

پیامدهای رشد فقر غذایی برای کشور

ابتدا خوراکی‌هایی مانند گوشت و سپس شیر و پنیر و تخم‌مرغ و مانند آن از سبد غذایی حذف می‌شوند. این امر آثار وخیمی بر سلامتی نسل آینده و در نتیجه بهره‌وری آنان خواهد گذاشت. تأثیر فقر بر آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی بارها مورد تأکید قرار گرفته است؛ اما از سوی دیگر گسترش فقر و افزایش شدت آن در جامعه و عمیق‌ترشدن شکاف درونی فقر موجب تشدید نارضایتی اجتماعی می‌شود؛ زیرا نتیجه چرخه باطل فقر، افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی، بی‌انگیزگی، کاهش امید اجتماعی، تضعیف سرمایه اجتماعی به‌ویژه اعتماد به دولت خواهد بود. نهادینه‌شدن فقر و شکل‌گیری ریل‌های غیراخلاقی به‌عنوان پیامدهای فقر موجب می‌شود حتی با تغییر رویه سیستم، نتوان از آثار و تبعات این دوران به‌راحتی خارج شد. یکی از آثار آن کاهش توانایی فکری درست و نداشتن قدرت تصمیم‌گیری گروه‌های زیادی از جامعه است که در رفتارهای آنان به صورت عادت درآمده است.

در این شرایط رویکرد اصلاحی بلندمدت، تغییر اساسی در روابط بین‌المللی و تغییر رویکرد در سیاست داخلی، نظارت‌پذیری، شفافیت، اصلاح ساختار اقتصادی مبتنی بر تولید و نه دلالی است؛ اما در کوتاه‌مدت مهار تورم، کاهش مداخلات دولتی، اتخاذ سیاست‌های حمایتی مؤثر برای کاهش سوءتغذیه و بهبود خدمات بهداشتی خواهد بود. به عبارت دیگر، سیاست‌های حمایتی باید هدفمند شود و درجه اصابت آنها بیشتر شود.

ما و پناهندگان افغانستانی

ادامه از صفحه اول

ترکیب جمعیت در برخی شهرها به نفع افغان‌ها رقم خورده است. به این معنی که در برخی شهرهای کوچک تعداد افغان‌ها بیشتر از جمعیت بومی شده است. اما هیچ‌کدام از این فرض‌ها و مسائل مطرح‌شده چندان مورد بررسی دقیق قرار نگرفته است. اما نکته مهمی که وجود دارد بحث بازاندیشی در سیاست‌گذاری‌های مربوط به این حوزه است. نیاز به سیاست جامع و کامل درباره نحوه حضور پناهندگان و مهاجران افغان که از خشونت و آزار و اذیت و جنگ فرار کرده‌اند، احساس می‌شود. تجربیات جهانی در حوزه مهاجران و پناهندگان پیش‌روی ما است و می‌توان از آنها بهره برد. در موقع ورود، پناهندگان و مهاجران ابتدا وارد مراکز قرنطینه می‌شوند و از نظر سلامت بررسی می‌شوند. سپس وارد کمپ‌های مخصوص می‌شوند که با نام‌هایی مانند مراکز انتقال، میهمان‌شهرها، مراکز استقرار و... خوانده می‌شوند. برای هرکدام پرونده کاملی تشکیل می‌شود. با توجه به وضعیتشان دسته‌بندی می‌شوند، بچه‌ها می‌توانند آموزش ببینند، زنان و دخترانی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند، تحت درمان و حمایت قرار می‌گیرند، با توجه به نیاز کشور به نیروی کار و تناسب آن با مهارت‌های پناهندگان و مهاجران می‌توان مجوز موقت کار برای آنها صادر کرد که فقط در مشاغل خاص می‌توانند مشغول به کار شوند. درخواست پناهندگی برخی از آنها مورد پذیرش قرار می‌گیرد تا با بهترشدن اوضاع به کشورشان برگردند. برخی هم ممکن است بعد از فرایندهای مختلف مجوز اقامت بگیرند. با توجه به اشتراکات فرهنگی و دینی بین ما و افغانستانی‌ها این فرایند کوتاه و با سرعت و دقت بیشتری انجام می‌شود. چنین رویکردی که می‌توان آن را رویکرد تنظیم نام گذاشت با سیاست درهای باز متفاوت است؛ سیاستی که گاهی درباره پناهندگان و مهاجران افغان اجرا شده و باعث شده پناهندگان و مهاجران در نقاط مختلف کشور پراکنده شوند و هویت‌یابی آنها دشوار و پرهزینه شود.

به نظر می‌رسد باید از سیاست درهای باز به سیاست تنظیم گذر کنیم. با درپیش‌گرفتن سیاست تنظیم که مراحل پذیرش پناهندگان از قرنطینه تا اقامت را در بر می‌گیرد، اعتماد جامعه هم بیشتر می‌شود و با دیدن افغان‌ها در جامعه، مطمن می‌شوند که فرایند هویت و مجوز حضور در کشور را طی کرده‌اند. با اجرای این سیاست افراد جامعه مطمئن می‌شوند که افغان‌ها در مشاغلی که نیاز به آنها وجود دارد، مشغول به کار می‌شوند اما سیاست تنظیم بودجه زیادی می‌خواهد که لازم است بخشی از آن با همکاری سازمان‌های مختلف مانند سازمان ملل متحد تأمین شود. با طراحی و اجرای سیاست تنظیم، جامعه مطمئن می‌شود که در قبال پناهندگان و مهاجران که از کشورهای همسایه وارد کشور می‌شوند، سیاست جامع، مستمر و دقیقی وجود دارد. ناچار هستیم سیاست حوزه پناهندگی و مهاجرتی به داخل را بازاندیشی کنیم که نام آن را سیاست تنظیم گذاشته‌ام اما باید اضافه کرد که سیاست تنظیم به‌معنای بستن درها به روی پناهندگان نیست، فقط پذیرش آنها در قالب مراحل دقیق انجام می‌شود که هم به نفع پناهندگان و هم مطلوب جامعه میزبان است.

یادداشت

مجلس یازدهم و تناقض حکمرانی مردمی

سیدعلی مجتهدزاده
وکیل پایه یک دادگستری

رئیس مجلس روز یکشنبه در همایش دانشگاه و حکمرانی سخنانی درباره نسبت مردم و سیستم حکمرانی کشور مطرح کرده که کلیت آنها بسیار درست و زیبا هستند، اما امیدوارکننده نیستند. درست و زیبا هستند چون تجربه بشر و بخش اعظم نظریات موفق حکمرانی آنها را تأیید می‌کنند. اما امیدوارکننده نیستند چون سیاست‌مداران ما از جمله آقای قالیباف تنها در کلام خود سراغ آنها می‌روند نه عمل. آنچه رئیس مجلس گفته این است؛ «حکمرانی بدون میدان‌داری مردم کارآمد نخواهد بود و دلیل تأکید ما روی مردمی‌سازی همین است. برای دستگاه حکمرانی کشور، مردم یعنی همه مردم و نه فقط عده‌ای از مردم که با ما هم‌عقیده یا هم‌موضع هستند؛ ما نمی‌خواهیم منافع حکمرانی فقط به مؤمنان و انقلابی‌ها برسد و اصلا حکمرانی ایمانی و انقلابی یعنی خدمت‌رسانی به همه مردم». شاید اگر این سخنان یا شبیه به آن از زبان سیاست‌مداری مثلا سوئدی یا ژاپنی گفته می‌شد، تناقض و ابهام چندانی درباره آن دیده نمی‌شد. اما وقتی یک سیاست‌مدار ایرانی، آن هم از یک تفکر و منش سیاسی متمایل به انحصار، این حرف‌ها را می‌زند وضع فرق می‌کند. میدان‌داری مردم در حکمرانی نیازمند الزاماتی حقوقی است که بی آن هر حرفی در این زمینه در بهترین حالت ممکن یک شعار بی‌پشتوانه است، اگر آن را عوام‌فریبی فرض نکنیم. اولین الزام حقوقی برای میدان‌داری مردم در حکمرانی، سر و شکل و استانداردهای ممکن نظام انتخاباتی کشور است. چیزی که خود نیازمند وجود ضوابط حقوقی قوی و دقیق در حوزه احزاب، صنوف و سندیکاهاست. میدان‌داری مردم در حکمرانی، یک نظام انتخاباتی را می‌طلبد که دارای بیشترین وسعت ممکن در حق انتخاب‌شدن و حق انتخاب‌کردن برای طیف‌ها، گرایش‌ها، تفکرات و گروه‌های مختلف باشد. ما هم‌اکنون تا چه اندازه از چنین نظام انتخاباتی و همین‌طور قوانین متناسب حزبی، صنفی و مدنی برخورداریم؟ با ترتیبات فعلی قوانین انتخاباتی ایران اساسا چگونه امکان مشارکت مؤثر و عمومی مردم فراهم می‌شود و در غیاب چنین مشارکتی چگونه توقع میدان‌داری مردم در حکمرانی را داریم؟ مجلس تحت ریاست آقای قالیباف در حوزه تقنین نه تنها حتی یک گام کوچک در جهت بهبود شرایط قانونی در این زمینه برنداشت بلکه در چند نوبت دورخیزهایی جدی برای کاهش استانداردهای مطلوب نظام انتخاباتی هم انجام داد که در مواردی به نتیجه هم رسید. رئیس چنین مجلسی قبل از آنکه مدعی میدان‌داری مردم در حکمرانی شود باید تکلیف خود را با این کارنامه و نسبت آن با مشارکت عمومی مشخص کند. در سطحی دیگر بحث‌های مربوط به شفافیت و حقوق عامه درخصوص آزادی بیان و توسعه اطلاعات عمومی از کم و کیف جزئیات حکمرانی مطرح هستند. مردم اول باید مطلع از جزئیات تصمیم‌گیری‌ها و دارای حق آزادی بیان نسبت به طرح عقاید خود درخصوص مسائل مختلف باشند تا در وهله بعد بشود آنها را میدان‌دار حکمرانی کرد. جامعه‌ای که از یک سو نامحرم فرض شده و در معرض سطح نازلی از گردش آزاد اطلاعات است و از سوی دیگر جلوی او برای طرح مسائلش سد شده، اساسا در موقعیتی شبیه «رعیت» است نه میدان‌دار حکمرانی. در عمر بیش از سه‌ساله مجلس یازدهم نه فقط کوچک‌ترین تلاشی برای بهبود قوانین و افزایش استاندارد آنها در این خصوص نشد بلکه کارنامه این مجلس هم سراسر عدم شفافیت بود. کافی است یادی کنیم از بررسی دو طرح صیانت و حجاب و عفاف تحت اصل ۸۵ قانون اساسی که به دور از چشم افکار عمومی صورت گرفت. خود رئیس این مجلس که امروز حرف از لزوم میدان‌داری مردم در حکمرانی می‌زند، در طول بیش از سه سال تصدی ریاست قوه مقننه نه یک نشست خبری برگزار کرده و نه حتی یک بار پاسخ‌گوی رسانه‌های منتقد خود بوده. آن هم درحالی‌که بخش بزرگی از افکار عمومی سؤالاتی بسیار جدی درباره کارنامه مجلس یازدهم و همین‌طور سوابق شخص آقای قالیباف دارند. چنین مسئولی حتما تا مرحله تئوری‌پردازی درباره ضرورت میدان‌داری مردم در حکمرانی فاصله بسیار زیادی دارد. به عبارتی نه در کارنامه و سوابق آقای قالیباف و جریان متبوع ایشان ردپایی از فراهم‌آوردن زمینه مشارکت مردم در حکمرانی دیده می‌شود و نه افق پیش‌روی ایشان چنین تصویری به ما می‌دهد. ایشان روی مفهوم «مردمی‌سازی» تأکید می‌کند اما از دل همین مجلس تحت ریاست‌شان قوانینی چون «مولدسازی» یا تجسس در زندگی شخصی شهروندان ذیل ماده ۷۵ قانون برنامه توسعه بیرون می‌آید. این دست موارد چه نسبتی با میدان‌داری مردم در حکمرانی دارند؟ آقای قالیباف و هم‌فکران ایشان اگر اندکی هم به میدان‌داری مردم در حکمرانی اعتقاد عملی دارند، چرا جلوی تصویب این دست مواد قانونی را نگرفتند؟ چرا حداقل یک نطق مخالف از ایشان و نزدیکانشان علیه این دست اقدامات سراغ نداریم؟ خلاصه اینکه میدان‌دادن به مردم در حکمرانی به گفتن چند جمله زیبا نیست. وگرنه همین آقای قالیباف کسی بود که در اعتراضات سال قبل وعده می‌داد که بعد از بازگشت آرامش اصلاحات را آغاز می‌کنیم. اما نتیجه حرفش شد تصویب قانون حجاب و عفاف در مجلس با وجود مخالفت‌های مدنی و حقوقی بسیار، آن هم به صورت غیرعلنی و دور از چشم مردم.

آگهی مجمع عمومی عادی

به اطلاع می‌رساند مجمع عمومی عادی انجمن علوم و فناوری مهندسی نساجی ایران در ساعت ۱۳ روز پنج شنبه ۴ آبان ماه ۱۴۰۲ در محل سالن آمفی تئاتر (میراحمدسادات) دانشکده مهندسی نساجی دانشگاه صنعتی امیرکبیر واقع در خیابان حافظ، روبه‌روی خیابان سمیه برگزار می‌گردد. بدینوسیله از اعضای گرامی یا وکلای ایشان دعوت به عمل می‌آید در این مجمع شرکت فرمایند.

دستور جلسه:

۱.گزارش سالیانه هیات مدیره و بازرس قانونی از فعالیت‌های انجام شده
۲.گزارش مالی خزانه دار هیئت مدیره با بررسی و تصویب ترازنامه و صورتحساب درآمدها و هزینه‌های سال مالی گذشته
۳.تغییر تعرفه های عضویت ۴.سایر موارد

محمد حقیقت کیش
رییس هیئت مدیره انجمن علوم و فناوری مهندسی نساجی ایران

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند انتشارات روشن نظر به مدیریت سعیده حیدری نژاد به شماره پروانه ۱۸۱۱۸ به اسم نشر قند پارسی تغییر نام داده شد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سایپا 131SE رنگ مشکی متالیک مدل ۱۳۹۴ به شماره پلاک ایران ۸۷ - ۴۴۵ س ۳۵ و شماره موتور ۵۳۶۰۶۵۲ و شماره شاسی NAS411100F1122222 به نام پریسا نجفی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو دنا پلاس EF7 رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۱۹ - ۴۷۲ ه ۹۱ و شماره موتور 147H0693006 و شماره شاسی NAAW21HU3NE532428 به نام نسیم فرهادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مزایده اموال غیر منقول اسناد رهنی

بموجب پرونده کلاسه ۹۴۰۰۰۲۷ - ششدانگ یک قطعه زمین) تاسیسات مرغداری) بمساحت ۱۲۷۰۰ متر مربع قطعه اول تفکیکی بشماره پلاک -۳ فرعی از باقیمانده -۱۶ اصلی قریه گندیما بخش ۱ ثبت چمستان وذیل ثبت ۱۶۲۰ دفتر جلد ۱۵ صفحه ۹۴ بنام شرکت تعاونی مرغ گوشتی -۲۶۱ آمل بشماره ثبت ۶۹۴ سند مالکیت آن صادر و تسلیم .گردید سپس مازاد طبق استاد رهنی شماره های ۱۲۰۴۷ و ۶۹۷۳ تاریخ سند ۳۰/۱۱/۱۳۸۹ و ۱۳۸۷/۰۴/۳۱ - دفتر خانه ۱۴۵ - شهر آمل در رهن بانک صادرات شعبه آمل قرار گرفت و روز صدور اجرائیه به مبلغ ۴/۵۶۲/۲۰۱/۰۶۸ ریال می باشد که مدیون به مبلغ ۹/۱۴۲/۰۳۱/۲۶۶ ریال به بانک بدهکار می باشد که برابر نظر کارشناس رسمی ارزش اعیانی به مساحت ۵۰/۴۶۰۱متر مربع به مبلغ ۶۹/۰۲۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال ، ارزش عرصه به مساحت ۱۲۷۰۰ متر مربع به مبلغ ۳۱۷/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ارزش مجموعه تاسیسات بنا شده به مبلغ ۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال که مجموع عرضه و اعیان و تاسیسات به مبلغ ۳۹۳/۵۲۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال معادل سیصد و نود و سه میلیارد و پانصد و بیست و دو میلیون پانصد هزار ریال ارزیابی شده و پلاک فوق دارای ۵۰/۴۶۰۱ متر مربع اعیانی در همکف و قدمت بنا حدود هشت سال و دارای انشعابات آب و برق و میباشد که برابر گزارش مامور اجرا در تصرف راهن میباشد ، پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز چهار شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۳ در اداره ثبت اسناد و املاک چمستان واقع در چمستان بلوار شیخ فضل اله نوری خیابان آموزش اداره ثبت اسنادواملاک پ ۴۶۴۱۴۵۸۵۸۶ از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده از ۳۹۳/۵۲۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال (معادل سیصد و نود و سه میلیارد و پانصد و بیست و دو میلیون و پانصد هزار ریال (شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً فروخته می شود لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به ،آب ،برق، گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای . آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقداً وصول می گردد ضمناً چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی ،گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت مکان مقرر برگزار خواهد شد.

زمان انتشار ۱۴۰۲/۰۷/۱۹
شناسه : ۱۵۸۳۴۱۸

۴۴۲۱